

بخش یازدهم

حقوق بشر

GD000432

در مورد لغو مجازات رجم

بسمه تعالی

شماره ۵۶۳/هـ.ق

تاریخ ۱۳۷۷/۳/۱۳

جناب آقای ابطی

رییس دفتر محترم رییس جمهور

با سلام،

عطف به نامه شماره ۷۷/۳/۵-۷۴۱۹/۱۱ در ارتباط با دستور ریاست محترم جمهور به بررسی پیشنهاد مربوط به لغو مجازات سنگسار، به استحضار می‌رساند همان‌گونه که مطلعید حکم رجم برای زنانی محصنه و حکم قطع ید برای سرقت و بریدن دست راست و پای چپ و زنده به دار کردن (به صلیب کشیدن) برای محارب و قصاص اعضاء بدن برای جرح‌های عمدی و نیز مجازات شلاق به عنوان حدّ و یا تعزیر به عنوان مجازات‌های مقرر شرعی و حدود و تعزیرات الهی در قانون مجازات اسلامی آمده است. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز در اصول ۶۱ و ۱۵۶ (بند ۴) بر اجرای حدود و تعزیرات اسلامی تصریح دارد. ولی در ماده ۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر و ماده ۷ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (که دولت ایران هم آن را تصویب کرده است) علاوه بر ممنوعیت شکنجه هرگونه رفتار یا مجازات خشن، غیرانسانی و تحقیر کننده نیز منع شده است تلقی بسیاری از صاحب نظران در زمینه مسایل حقوق بشر و مفسران و شارحان اعلامیه جهانی و میثاق و کنوانسیون منع شکنجه (مواد ۱ و ۱۶ آن) و به خصوص کمیته حقوق بشر، کمیته ضد شکنجه و کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل این است که مجازات‌های بدنی از قبیل سنگسار، قطع عضو و شلاق زدن از مصادیق مجازات‌های خشن و غیرانسانی هستند که به موجب اعلامیه جهانی که فرض این است مقبول عموم کشورهاست و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی که تصویب کنندگان آن را متعهد می‌نماید، ممنوع شده و بنابراین باید آن‌ها را از قوانین موضوعه حذف کرد

و از اجرای آن‌ها خودداری نمود (تا حدودی تفصیل بحث را این‌جانب در کتاب نظام بین‌المللی حقوق بشر صفحه ۹۹ به بعد آورده‌ام) ولی مجازات‌های مزبور برخی چون قطع دست سارق و قطع دست و پای محارب و شلاق زدن به زانی و قاذف و قصاص نفس و اطراف در قرآن کریم به صراحت آمده است و برخی هم مانند رجم زناکار محصنه در سنت قولی و فعلی مورد قبول فریقین وجود دارد. تا آن‌جا که بنده اطلاع دارم از بین فرق اسلامی فقط خوارج مجازات رجم را بدان جهت که در قرآن نیامده است قبول ندارند و بقیه قبول دارند، امضایی بودن یا تأسیس بودن حکم هم از این جهت تأثیری ندارد و چیزی را تغییر نمی‌دهد.

ولی قدر مسلم اعمال و اجرای این نوع مجازات‌ها و به‌خصوص مجازات سنگسار با کیفیت خاص اجرای آن‌که در قانون مجازات اسلامی هم تصریح شده عکس‌العمل نامناسبی در مردم ایجاد نموده و زدگی و تنفر شدید را نسبت به مجریان در پی می‌آورد به‌گونه‌ای که امروزه بهترین ابزار بد جلوه دادن چهره جمهوری اسلامی از سوی مخالفین بیان این نوع مجازات از مقررات قانونی و اخیراً پخش فیلم‌های ویدئویی تهیه شده از برخی مراسم سنگسار است که در سال جاری در جریان اجلاس کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل در ژنو نیز نمایش داده شد. هم‌اکنون اجرای این مجازات به‌جای این‌که موجب عبرت دیگران باشد تنفر آنان را برمی‌انگیزد و به‌طور قطع می‌توان گفت اجرای آن به‌عنوان یک حکم اسلامی موجب وهن به اسلام است. بنده از برخی بزرگان شنیدم که از حضرت امام رضوان الله تعالی علیه نقل می‌کردند وقتی موضوع را خدمت ایشان تشریح کردند، امام (ره) فرمودند در صورتی که اجرای این مجازات وهن به اسلام است، آن را اجرا نکنید و مجازات اعدام را اعمال نمایید.

از لحاظ تشخیص موضوع و این‌که اجرای این مجازات وهن به‌اسلام تلقی می‌شود ظاهراً تردیدی وجود ندارد و قولی است که جملگی برآنند ولی مسأله مهم این است که چگونه می‌توان این حکم قانونی را که به‌عنوان حکم مسلم شرعی جزء قوانین موضوعه ما قرار گرفته نسخ و یا اصلاح نمود. در پی آن و بلکه به‌موازات آن مسأله قطع دست و دیگر مجازات‌های بدنی نیز مطرح است و با این‌که معتقدم باید یک مطالعه و بحث جدی

در خصوص اعمال این نوع مجازات‌ها و نگرش قرآن و اسلام به‌دائمی بودن اعمال این روش‌های کیفری صورت گیرد ولی در حال حاضر بسیار مستبعد می‌دانم که از این طریق بتوان نتیجه گرفت و دیدگاه کاربردی جدیدی به‌دست آورد.

به هر حال در زمینه متوقف کردن اجرای حکم رجم یک روش این است که به‌دنبال کلام منقول از امام راحل (ره) نظر رهبر معظم انقلاب و برخی از مراجع را جویا شد اگر این موضوع را تشخیص دادند و وهن دانستند بر مبنای آن فتوا از طریق مجلس شورای اسلامی اصلاحی در ماده ۸۲ قانون مجازات اسلامی صورت گیرد بدین طریق که حدّ زنای محصنه نیز جزء موارد مستوجب قتل ذکر شده و بند دیگری تحت عنوان بند هـ به‌ماده مزبور افزوده شود و قسمت اول ماده ۸۳ و مواد ۸۴ و ۱۰۲ تا ۱۰۴ حذف شود. اگر از طریق مجلس و شورای نگهبان ممکن نباشد می‌توان به‌عنوان حل معضل نظام به‌وسیله رهبری و از طریق مجمع تشخیص مصلحت نظام موضوع را به همین طریق که ذکر شد یا با افزودن تبصره‌ای بر ماده ۸۳ حل نمود.

ولی به‌نظر این‌جانب ضمن این‌که باید مطالعه عمیق و بحث جدی نسبت به اصل موضوع را دنبال کرد عملی‌ترین و در عین حال کم‌ضررترین روش برای جلوگیری از اجرای این مجازات این است که قضات را توجیه کرد تنها در صورت اثبات زنا از طریق بیّنه شرعی یعنی مشاهده چهار شاهد عادل و شهادت آن‌ها یا اقرار از روی کمال اختیار و اراده خود متهم آن را اجرا نمایند و در پی اثبات این عمل به امارات و قرائن مختلف و رسیدن به علم و عمل به علم قاضی برنیایند همان‌گونه که از دلایل شرعی و سیره عملی شارع نیز همین نظر تقویت می‌شود، اگر بدین گونه عمل شود و قاعده «الحدود تدرء بالشبهات» نیز مدنظر قرار گیرد مسلماً موارد اجرای این مجازات بسیار کم و به‌چند سال یکبار تقلیل می‌یابد، چنان‌که در دوران خود پیامبر اکرم (ص) بنا به آنچه در کتب تاریخ و تفسیر و حدیث نقل شده حداکثر سه مورد رجم صورت گرفته است که مورد اول آن در سال چهارم هجری مربوط به زن و مرد یهودی از اهالی خیبر بود که پیامبر حدّ رجم را در مورد آن‌ها به‌عنوان اجرای حکم تورات اعمال نمود و دو مورد دیگر یکی مربوط به مردی به‌نام معزبن مالک و دیگری در مورد زن غامدیّه است که هر دوی آن‌ها

خود نزد پیامبر (ص) آمدند و با بیان جمله: «انّی زینت فطهرنی» از پیامبر (ص) خواستند حدّ را در موردشان جاری و آنان را تطهیر نماید و در هر دو مورد پیامبر (ص) ابتدا از آنها نپذیرفت و خواست توبه کنند و دفع‌الوقت کرد که شاید مراجعه نکنند و بر اثبات گناه خود اصرار نورزند ولی آنان خود مَصْر بر اجرای حدّ بودند و برای چند روز پیاپی آمدند و صریحاً بر ارتکاب عمل نامشروع خود اقرار نمودند، در این صورت پیامبر (ص) حد را بر آنها جاری نمود. حال این روش را با روش‌های قضایی فعلی که به کار برده می‌شود و با وسایل گوناگون به اثبات جرم زناى محصنه و علم قاضی می‌رسند و یا اقرار مرتکب را به دست می‌آورند مقایسه کنید. بنده فکر می‌کنم و بلکه اگر نگویم مطمئن هستم ظنّ غالب دارم که اگر برای اجرای حدّ رجم و بلکه حدود مربوط به سایر اقسام زنا و اعمال منافی عفت در غیر مورد عتف فقط به بیّنه شرعی و اقرار با شرایط مقرر شرعی اتکا شود که ظاهراً مذاق شرع هم باید همین باشد یا موردی برای اعمال و اجرای این حدّ پیش نمی‌آید یا به ندرت اتفاق می‌افتد. گمان می‌کنم در همین گردهمایی تیر ماه قضات می‌توان این موضوع را برای آنان تبیین و توجیه کرد و به خصوص مقام معظم رهبری در دیدار با قضات این مطلب را به آنها گوشزد نموده و رعایت آن را بخواهند عنداللزوم می‌توان ماده ۱۰۵ قانون مجازات اسلامی در خصوص عمل به علم قاضی را در این زمینه اصلاح کرد. مناسب است آقای رئیس‌جمهور مسأله را برای مقام معظم رهبری تشریح نمایند و ایشان توصیه لازم را به قضات بنمایند.

ظاهراً از طریق دیگر هم از جمله از سوی وزارت امور خارجه گزارش و پیشنهادهایی برای حلّ این موضوع تهیه و ارسال شده و لابد به نظر ریاست محترم جمهوری نیز رسیده است ولی به نظر بنده عاجل‌ترین و شرعی‌ترین روش که تبعات منفی کمتری را نیز در پی دارد همین طریق اخیر است که عنوان شد. اگر توضیحات بیشتری لازم باشد می‌توانم حضوراً آرایه دهم.

حسین مهرپور

مشاور رئیس‌جمهور و رییس هیأت پیگیری و

نظارت بر اجرای قانون اساسی

وضعیت حقوق بشر ایران در کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل

بسمه تعالی

شماره ۷۸-۶۸۵

تاریخ ۱۳۷۸/۲/۸

حجة الاسلام والمسلمین جناب آقای خاتمی

ریاست محترم جمهوری

باسلام،

همان‌طور که در ملاقات حضوری شانزدهم فروردین ماه سال جاری به استحضارتان رساندم در کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل در ژنو شرکت کردم، طبقاً گزارش مربوط به کمیسیون و به‌ویژه آنچه راجع به جمهوری اسلامی ایران است از سوی وزارت امور خارجه به استحضارتان رسیده یا می‌رسد، این‌جانب گزارش بسیار کوتاه از وضعیت جمهوری اسلامی ایران در کمیسیون و صدور قطعنامه و نظر و پیشنهاد خود را جهت اطلاع‌تان معروض می‌دارم تفصیل برخی از مطالب را به بیان حضوری موکول می‌نمایم:

۱- دوره اجلاس کمیسیون از ۲۲ مارس تا ۳۰ آوریل (۲ فروردین ماه تا ۱۰ اردیبهشت ماه سال جاری) تعیین شده بود. حدود ۲۱ موضوع از مسایل مربوط به حقوق بشر در دستور کار کمیسیون قرار داشت که بند ۹ آن تحت عنوان: مسأله نقض حقوق بشر و آزادی‌های اساسی در بخش‌های مختلف جهان به وضعیت حقوق بشر در برخی از کشورها از جمله جمهوری اسلامی ایران می‌پرداخت و گزارشگران ویژه کشورهایی که وضعیت حقوق بشرشان تحت نظارت کمیسیون است گزارش خود را ارایه دادند. و نمایندگان دولت‌ها و سازمان‌های غیردولتی در این زمینه سخنرانی کرده و نظراتشان را ابراز داشتند.

۲- شاید مطلع باشید ولی باز هم به خاطر جلب توجه یادآوری می‌نمایم که طبق لیست ضمیمه دستورالعمل کمیسیون حقوق بشر، ۱۲ کشور (از ۱۸۵ کشور عضو سازمان

ملل) وضعیت حقوق بشر آن‌ها تحت نظارت و رسیدگی ویژه قرار دارد و گزارشگر ویژه برای آن‌ها تعیین شده که عبارتند از: ۱- افغانستان، ۲- بوسنی، هرزگوین، کرواسی و جمهوری یوگسلاوی، ۳- بروندي، ۴- جمهوری دموکراتیک کنگو، ۵- گینه استوایی، ۶- عراق، ۷- جمهوری اسلامی ایران، ۸- میان‌مار، ۹- نیجریه، ۱۰- سرزمین‌های اشغالی فلسطین، ۱۱- روآندا، ۱۲- سودان، و جالب است بدانید که نیجریه هم امسال از تحت نظارت کمیسیون خارج شد و طی قطعنامه‌ای کمیسیون تصمیم گرفت به‌لحاظ پیشرفت‌هایی که در زمینه حقوق بشر حاصل شده و همکاری که با مکانیسم حقوق بشری کمیسیون به‌عمل آورده است، نظارت خود را بر آن پایان دهد.

۳- جوّ کمیسیون امسال نیز مانند سال گذشته نسبت به ایران، آرام و توأم با خوش‌بینی و حسّ احترام بود و از سخنرانی‌های تندی که در سال‌های گذشته علیه جمهوری اسلامی به‌عمل می‌آمد، مخصوصاً از سوی دولت‌ها خبری نبود، اگر در سخنرانی‌ها، انتقادی می‌شد که بیشتر در ارتباط با نحوه رفتار با بهائیان بود، ابتدا به‌اقدامات مثبت دولت مخصوصاً در زمینه تحقق بیشتر دموکراسی اشاره می‌شد،

۴- آقای کوپیتورن گزارشگر ویژه ایران که گزارش کتبی خود را متجاوز از سه ماه قبل به کمیسیون داده بود خلاصه آن را با یادآوری برخی حوادث جدید در جلسه کمیسیون ارایه داد و تحت عنوان: دموکراسی، وضعیت زنان و اقلیت‌ها، قتل‌ها و ناپدید شده‌ها و آزادی بیان گزارش و تحلیل کوتاهی که آمیخته‌ای از خوش‌بینی و نگرانی است ارایه داد و به دستگیری و زندانی شدن آقای کدیور نیز اشاره کرد و سخن خود را با این نتیجه‌گیری به پایان برد که بخش اجرایی حکومت جمهوری اسلامی ایران تحت رهبری رییس‌جمهور خاتمی مسیری را ادامه می‌دهد که اگر موفق شود نه تنها مشروعیت مردمی به حکومت اسلامی داده بلکه وجهه تازه‌ای به کرامت فردی و حقوق شهروندان بخشیده است. ولی روشن است که این روند، روندی سخت و دشوار است.

(...Clearly a Painful One)

۵- به‌هر حال سرانجام اتحادیه اروپا بنا به سنت معمول هر ساله، پیش‌نویس قطعنامه علیه ایران را به کمیسیون تسلیم کرد، ۳۳ کشور از بنیان قطعنامه بودند که

البته ۱۱ تای آنها عضو کمیسیون هستند. و تا حدودی برخلاف انتظار، قطعنامه با ۲۳ رأی مثبت (معادل آرای مثبت سال گذشته) و ۱۶ رأی منفی (۲ رأی منفی بیش از سال گذشته) و ۱۴ رأی ممتنع تصویب شد.

تقریباً نیمی از قطعنامه چهار صفحه‌ای به بیان اقدامات مثبت دولت اختصاص دارد و از تعهد دولت به ترویج حکومت قانون و تلاش روز افزون برای آزادی بیان و کوشش برای بررسی قتل‌های اخیر و برگزاری انتخابات شوراها و تضمین عدم تهدید جان سلمان رشدی از سوی دولت، و اظهارات مثبت در جهت تجدید نظر در قوانین و رویه‌های موجود در مورد تبعیض علیه زنان و... استقبال شده، و با علاقه‌مندی یاد شده است و نیم دیگر قطعنامه به بیان نگرانی از مسایلی چون عدم دعوت نماینده ویژه کمیسیون برای بازدید از ایران، تعداد زیاد اعدام‌ها، اعدام در ملأ عام، عدم رعایت استانداردهای بین‌المللی در دادگستری، ادامه تبعیض علیه اقلیت‌های مذهبی مخصوصاً بهاییان و فراخوانی دولت ایران به ادامه کوشش برای احترام به حکومت قانون، عدم صدور حکم اعدام برای جرایمی چون ارتداد، پایان دادن به شکنجه مخصوصاً قطع دست و سنگسار و... پرداخته است و سرانجام مأموریت نماینده ویژه برای یک سال دیگر تمدید شده است.

عزیز جناب آقای رییس جمهور، هم اکنون ۱۶ سال است، وضعیت حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران تحت نظارت ویژه کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل قرار دارد و هر سال گزارش نماینده ویژه در مورد ایران در مجمع عمومی سازمان ملل و کمیسیون حقوق بشر مطرح می‌شود و از هر دو مرجع قطعنامه صادر می‌گردد طبق معمول، پس از صدور قطعنامه واکنشی از سوی دولت نشان داده می‌شود و با سیاسی خواندن اقدام کمیسیون یا مجمع عمومی و مغرض بودن دولت‌های غربی و عدم توجه آنها به ارزش‌های اسلامی، موضوع خاتمه می‌یابد تا فصل دیگر. و اقدام اساسی لازم برای از بین بردن زمینه صدور و قطعنامه و خارج کردن جمهوری اسلامی ایران از لیست کشورهای دارای وضعیت ویژه صورت نمی‌گیرد در صورتی که فکر می‌کنم غیرت و حمیت اسلامی و ایرانی ما نمی‌تواند قرار گرفتن ایران را در کنار کشورهای

چون افغانستان، روآندا، میان مار، گینه استوایی و امثال آنها به عنوان ناقض حقوق بشر برتابد. و صرف سیاسی خواندن موضوع نیز تکلیف را ساقط نمی‌کند.

به نظر این جانب در درجه اول باید در سطح مسئولین تصمیم‌گیر رده اول نظام مخصوصاً مقام معظم رهبری و شخص حضرت عالی به عنوان رییس جمهور و مقامات مؤثر دیگر این معنی مشخص و معلوم گردد که آیا حساسیتی نسبت به صدور قطعنامه نقض حقوق بشر علیه جمهوری اسلامی ایران و عزم جزمی برای پایان دادن به این وضع وجود دارد یا خیر؟ اگر حقیقتاً مسأله از حساسیتی برخوردار نیست و عزم جزمی وجود ندارد، بسیاری از اقدامات سیاسی که به طور پراکنده و گاه فشرده مخصوصاً حول و حوش صدور قطعنامه صورت می‌گیرد، چندان آور و زاید و گاه مغایر با عزت نظام جمهوری اسلامی به نظر می‌رسد و باید از صرف اعتبار، وقت و هزینه برای آنها خودداری کرد چون در نتیجه تغییری حاصل نمی‌شود ولی اگر به راستی این حساسیت و عزم وجود دارد بهترین فرصت برای خروج از این وضع ناخوشایند و پایان دادن به صدور قطعنامه همین دوران و فرصت کنونی است که اگر زود اقدام نشود ممکن است فرصت از دست برود.

برای رسیدن به نتیجه اجمالاً می‌توان گفت هم اقدام حقوقی و ماهوی و هم اقدام سیاسی معقول و فعال لازم است صورت گیرد که زمینه هر دو هم اکنون بیش از سابق فراهم است.

در قسمت اول با این که برخی اختلاف‌های اساسی و ماهوی بین دیدگاه نظام اسلامی و نگرش حاکم بر اسناد و نهادهای حقوق بشری سازمان ملل وجود دارد و دشواری‌هایی در کار است مغذالک به حکم تجربه چندین ساله، این جانب بر این باورم که اگر حکومت به‌ویژه در بعد دستگاه امنیتی و قضایی واقعاً تلاش کند طبق اصول قانون اساسی عمل کند و حقوق ملت را بدان گونه که در قانون اساسی آمده است رعایت کند و همان‌گونه که شعار جا افتاده دولت حضرت عالی است حقیقتاً حکومت قانون برقرار شود و در فهم و استنباط و اجرای موازین شرعی روشن‌بینی و ظرافت لازم صورت گیرد ضمن این که هدف اصلی یعنی رعایت حقوق شهروندان برآورده شده، بازتاب

گسترده‌ای در محافل حقوق بشری سازمان ملل نیز خواهد داشت و بر روند تصمیم برای صدور قطعنامه اثر خواهد گذاشت چنان که همین مقدار کارهای انجام شده بازتاب خود را داشته است و امسال اتحادیه اروپا پذیرفت که حداقل مذاکره‌ای در مورد پایان دادن به قطعنامه با نمایندگی جمهوری اسلامی ایران صورت دهد هر چند به نتیجه نرسید، در این گزارش کوتاه طبعاً مجال پرداختن به تفصیل موضوع نیست.

در قسمت دوم حقیقتاً باید دیپلماسی فعالی به راه بیافتد و در بعد سیاسی این امر را به سامان برساند. بنده صلاحیت اظهار نظر سیاسی ندارم ولی به نظرم می‌رسد این امر بسیار شگفت‌انگیز است که پیشنهاد رییس‌جمهوری ایران برای تعیین سال ۲۰۰۱ به عنوان سال گفتگوی تمدن‌ها با اجماع مجمع عمومی سازمان ملل به تصویب برسد و عمده مجامع و مقامات بین‌المللی از آن استقبال کنند، یونسکو از آن تجلیل و برایش برنامه‌ریزی نماید، گزارشگر کمیسیون حقوق بشر آقای آمور در گزارش خود به کمیسیون (که خودم حضور داشتم) از قطعنامه سازمان ملل به قطعنامه تاریخی که با ابتکار و پیشنهاد آقای خاتمی منطق گفتگوی بین تمدن‌ها را جایگزین منطق برخورد تمدن‌ها نمود، یاد نماید و این امر را نشانه رسمی علاقه‌مندی ایران به ارزش‌های انسانی بداند، در عین حال همان مجمع عمومی و بعداً کمیسیون حقوق بشر به عنوان نقض حقوق بشر علیه دولت ایران قطعنامه صادر کند. سال گذشته دیپلماسی کوبا توانست از فرصت ملاقات کاسترو با پاپ و مسافرت پاپ به کوبا استفاده کند و مانع تصویب قطعنامه علیه خود شود (البته امسال باز با اکثریت ضعیف قطعنامه علیه کوبا صادر شد) و نیجریه با انجام یک انتخابات و قول برخی اصلاحات و دعوت نماینده ویژه به کشور، خود را از تحت نظارت کمیسیون خارج کرد ولی ما نتوانستیم از فرصت‌هایی چون حل مسأله سلمان رشدی و صدور بیانیه رسمی وزرای امور خارجه ایران و انگلستان، تصویب پیشنهاد رییس‌جمهوری در مجمع عمومی، مسافرت موفقیت‌آمیز رییس‌جمهور به ایتالیا و ملاقات خوب وی با پاپ و روابط گرمی که با اتحادیه اروپا برقرار شده و این همه اصلاحاتی که به گفته خود غربیان صورت گرفته در جهت لغو قطعنامه یا حتی کم کردن آراء اتحادیه اروپا نسبت به آن استفاده کنیم. اگر واقعاً

حساسیت و عزم قاطعی برای پایان دادن به این وضع وجود دارد لازم است از هم اکنون فعالیت سیاسی و مذاکره مفید و سازنده مخصوصاً حال که عزم سفر به آلمان دارید در این زمینه شروع شود و لااقل نتیجه مقدماتی آن در جریان مجمع عمومی به دست آید. همان طور که در صدر نامه گفته شد تبیین مشروح تر و جزئی تر برخی مسایل و پیشنهادها را به فرصت حضوری موکول می کنم.

حسین مهرپور

مشاور رئیس جمهور و رئیس

هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی

بسمه تعالی

شماره ۷۸-۹۱۶

تاریخ ۱۳۷۸/۲/۱۳

حجة الاسلام والمسلمین جناب آقای دکتر روحانی
دبیر محترم شورای عالی امنیت ملی

با سلام

گزارش شماره ۷۸۶۸۵/م مورخ ۷۸/۲/۸ مشاور محترم رئیس جمهور و رئیس هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی در خصوص شرکت ایشان در کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل در ژنو و همچنین وضعیت ج.ا.ایران در آن کمیسیون و صدور قطعنامه علیه کشورمان و نظرات و پیشنهادهای ارایه شده، که تصویر آن به پیوست ارسال می گردد، به استحضار ریاست محترم جمهوری رسید، پی نوشت فرمودند:

«به نام خدا

جناب آقای دکتر روحانی

چون این موضوع در دبیرخانه و با هماهنگی وزارت امور خارجه و دیگران مورد بررسی قرار گرفته است لازم است جداً مسأله پیگیری شود. مطالب و نگرانی های جناب آقای دکتر مهرپور کاملاً به جا است. البته مطمئناً انگیزه ها و اراده های سیاسی پشت قضیه هست. ولی از سوی دیگر اگر ما با یک برنامه خوب پیگیری کنیم می توانیم بر آن انگیزه ها غالب آییم. در درجه اول و صرف نظر از قضاوت دیگران در داخل خودمان باید قانونی رفتار کنیم و نگذاریم عمل به قانون اساسی تحت الشعاع مطالب و مسایل سلیقه ای و جناحی قرار گیرد. این وظیفه شرعی و عقلی و ملی ما است و شاید اگر دبیرخانه فعال شود با بی نظری

بہتر بتواند کار را بہ سرانجامی برساند. در درجہ دوم باید
برنامہ‌ای مورد اتفاق ہمگان تنظیم و عمل شود. بہ نظر من
می‌توان انشاء اللہ تا سال آیندہ از این وضعیت رہایی یافت.

سید محمد علی ابطحی

رونوشت:

- جناب آقای دکتر مہرپور

- مشاور محترم رئیس جمہور و رئیس ہیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی

مسأله الحاق به کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان

بسمه تعالی

شماره ۳۲۳۶۱

تاریخ ۱۳۷۸/۶/۲۳

جناب آقای دکتر خرازی

وزیر محترم امور خارجه

با سلام

نامه‌ی شماره‌ی ۱۱۶۲-۶۳۱ مورخ ۷۸/۶/۱۵ و ضمایم آن، موضوع: پیام دبیرکل سازمان ملل متحد در خصوص الحاق جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون امحاء همه اشکال تبعیض نسبت به زنان، به استحضار ریاست محترم جمهوری رسید، پی‌نوشت فرمودند:

«جناب آقای دکتر خرازی»

و جناب آقای دکتر مهرپور

بررسی فرمایند.»

سیدمحمدعلی ابطحی

گیرنده:

- جناب آقای دکتر مهرپور

مشاور محترم رئیس جمهور و رئیس هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی، همراه با

تصویر

عالیجناب،

با توجه به کنوانسیون امحاء کلیه اشکال تبعیض نسبت به زنان، مایلم بیان نمایم، که کنوانسیون مذکور که این جانب اهمیت زیادی برای آن قائلم، در تاریخ ۱۲ شهریور ۱۳۶۰ (۳ سپتامبر ۱۹۸۱) لازم الاجراء گردید. کنوانسیون به تمامی کشورها توصیه می‌نماید تا شرایط لازم برای بهره‌مندی زنان از حقوق کامل و برابر با مردان را تضمین نمایند و بدین ترتیب در برگیرنده یکی از اصول منشور ملل متحد و اعلامیه جهانی حقوق بشر می‌باشد.

همان‌گونه که مطلعید، سند چارچوبی برای اقدام مصوب چهارمین کنفرانس جهانی زن هدف تصویب جهانی کنوانسیون تا سال ۲۰۰۰ را پایه‌گذاری نمود. این جانب بر این باورم که بهترین شیوه ورود دولت‌ها به هزاره جدید ارتقاء تساوی واقعی برای زنان از طریق پذیرش این کنوانسیون برجسته و اجرای آن با تصویب قوانین لازم ملی می‌باشد. تاکنون بیش از ۱۶۰ کشور کنوانسیون مذکور را تصویب نموده و تصویب جهانی آن تا سال ۲۰۰۰ هدف قابل حصولی است.

از این رو، این جانب صمیمانه از شما خواستارم تا تصویب سریع کنوانسیون توسط دولت خود را تضمین نمایید. مشتاقانه امیدوارم که جناب عالی ما را در دست یابی به این مهم یاری نمایید.

عالیجناب، احترامات فائقه مرا بپذیرید.

کوفی عنان

عالیجناب

آقای سید محمد خاتمی

ریس جمهوری اسلامی ایران

تهران

بسمه تعالی

شماره ۷۸-۱۰۱۶

تاریخ ۱۳۷۸/۷/۵

حضرت حجة الاسلام و المسلمین جناب آقای خاتمی

ریاست محترم جمهوری

با سلام

عطف به نامه شماره ۳۲۳۶۱ مورخ ۷۸/۶/۲۴ در خصوص پیام دبیرکل سازمان ملل متحد برای الحاق جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان که دستور بررسی آن را به این جانب و آقای دکتر خرازی صادر فرمودید، جهت استحضار حضرت عالی به اطلاع می‌رساند پیام آقای دبیر کل سازمان ملل در راستای سیاست اعلام شده سازمان ملل متحد در جهت تصویب کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان از سوی همه کشورهای جهان تا مقطع تاریخی سال ۲۰۰۰ می‌باشد در بند ۳۹ بخش دوم اعلامیه کنفرانس جهانی حقوق بشر وین در سال ۱۹۹۳ آمده است که سازمان ملل باید دولت‌ها را به پذیرش کنوانسیون تشویق کند به گونه‌ای که تا سال ۲۰۰۰ تمامی دولت‌ها، کنوانسیون را تصویب نمایند. در بند ۲۳۰ (شق ب) سند کنفرانس جهانی زن در پکن (Platform for Action) سال ۱۹۹۵ نیز جزء وظایف دولت‌ها، تصویب کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان و تضمین اجرای مقررات آن ذکر شده، به گونه‌ای که تا سال ۲۰۰۰ تصویب جهانی این کنوانسیون تحقق یابد.

در بعضی از شقوق همین بند تأکید شده است که دولت‌ها باید سعی کنند دامنه حق شرط و تحفظ نسبت به کنوانسیون را بسیار محدود کنند و حتی الامکان از آن پرهیز نمایند و آن‌هایی که با اعلام حق شرط (Reservation) آن را تصویب کردند، حق شرط خود را پس بگیرند. تبلیغات برای الحاق به این کنوانسیون آن قدر گسترده بود که نزدیک بود هیأت ایرانی شرکت کننده در کنفرانس پکن نیز رسماً تلاش دولت را برای الحاق به آن در جلسه عمومی کنفرانس اعلام نماید ولی در آخرین لحظات احتیاط را پیشه کردند و از اعلام آن خودداری نمودند.

همان‌طور که مستحضرید به لحاظ وجود برخی مقررات قانونی در زمینه مسایل جزایی، مدنی و خانواده تصویب این کنوانسیون بدون قید و شرط حداقل در حال حاضر

عملی نیست و طبعاً نه مجلس تصویب می‌کند و نه شورای نگهبان تأیید، الحاق با اعلام قیود و شرایط هم در وضع فعلی یعنی بدون حل برخی مسایل فقهی در این زمینه باید همراه با قیود و شرایط زیاد باشد که نه مقامات سازمان ملل را راضی می‌کند و نه داخلی‌ها را. ولی در هر صورت زمانی جلسات متعددی برای بحث در این خصوص تشکیل شد و ظاهراً لایحه‌ای هم همراه با برخی قیود و شرایط از سوی وزارت امور خارجه تهیه و به هیأت دولت داده شد ولی از مرحله تصویب هیأت دولت نیز نگذشت و سرانجام شورای عالی انقلاب فرهنگی تحت ریاست خود حضرت‌عالی در چهارصد و سیزدهمین جلسه خویش مورخ ۷۶/۱۱/۱۴ به‌عنوان یک مضموبه با الحاق ایران به این کنوانسیون مخالفت کرد و با امضای حضرت‌عالی این تصمیم ابلاغ شد. این جانب هنوز به خوبی از ماهیت این مضموبه شورای عالی و امکان مخالفت با آن از سوی هیأت وزیران و مجلس شورای اسلامی مطلع نیستم و در هر حال خواستم نظر حضرت‌عالی را به سابقه امر جلب کنم که با توجه به آن اگر صلاح می‌دانید مجدداً بررسی شود؛ وزارت امور خارجه و احیاناً خود شورای عالی انقلاب فرهنگی مجدد موضوع را مورد بررسی قرار دهند البته این جانب با فرموده حضرت‌عالی همکاری لازم را خواهم داشت به پیوست تحلیل مختصری را که چند سال پیش طی مقاله‌ای در خصوص موضوع جمهوری اسلامی ایران نسبت به این کنوانسیون و الحاق به آن داشتم حضورتان ارسال می‌شود. در اصل موضوع تاکنون تغییری حاصل نشده جز این که برخی از کشورهای اسلامی که آن زمان به کنوانسیون نپیوسته بودند مثل پاکستان و مالزی به آن ملحق شدند ولی هنوز هم که در آستانه ورود به سال ۲۰۰۰ هستیم طبق آماري که آقای دبیر کل اعلام داشتند حداقل ۲۵ کشور دیگر عضو سازمان ملل که از جمله آن‌ها عربستان و آمریکا است آن را تصویب نکرده‌اند.

حسین مهرپور

مشاور رئیس جمهور و رئیس

هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی

لازم به یادآوری است پس از تاریخ ارسال این نامه، تعداد دیگری از کشورها از جمله عربستان سعودی به کنوانسیون ملحق شدند.

بسمه تعالی

شماره ۷۸-۶۱۵۵

تاریخ ۱۳۷۸/۷/۱۰

جناب آقای دکتر خرازی

وزیر محترم امور خارجه

با سلام

پیرو نامه‌ی شماره‌ی ۳۲۳۶۱ مورخ ۷۸/۶/۲۴ در خصوص الحاق ج.ا.ایران به کنوانسیون امحاء همه اشکال تبعیض نسبت به زنان، گزارش شماره‌ی ۷۸-۱۰۱۶/م مورخ ۷۸/۷/۵ هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی و ضمیمه‌ی آن (تصویر پیوست)، به استحضار ریاست محترم جمهوری رسید، پی نوشت فرمودند:

«وزیر محترم امور خارجه

به نظرم الحاق، محذورات اساسی دارد بررسی بیشتر شود».

سیدمحمدعلی ابطحی

از طرف محمدرضا تابش

بیانیه مربوط به مبارزه با نژادپرستی

بسمه تعالی

شماره ۳۴۷۰۴

تاریخ ۱۳۷۹/۸/۱۹

جناب آقای دکتر فریدزاده

مشاور محترم فرهنگی رئیس جمهور

حجت الاسلام و المسلمین جناب آقای درایتی

مشاور محترم رئیس جمهور در امور روحانیون

سرکار خانم رهنورد

مشاور محترم سیاسی رئیس جمهور

جناب آقای عباد

مشاور محترم اجتماعی رئیس جمهور

جناب آقای دکتر مهرپور

مشاور محترم رئیس جمهور و رئیس هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی

با سلام

نامه‌ی شماره‌ی ۶۴۰/۶۴۳/۳۳۰ مورخ ۷۹/۸/۸ وزارت امور خارجه و سوابق آن در خصوص بیانیه‌ی "A Vision for 21st Century" (تصویر پیوست)، به استحضار ریاست محترم جمهوری رسید، پی نوشت فرمودند:

«مشاوران من هم نظر بدهند از جمله جناب

آقای دکتر فریدزاده و جناب آقای درایتی».

سید محمدعلی ابطحی

بسمه تعالی

شماره ۶۴۰/۶۴۳/۳۳۰

تاریخ ۱۳۷۹/۸/۸

جناب آقای ابطیحی

رییس محترم دفتر رییس جمهور

با سلام

پیرو نامه‌های شماره ۱۷۰۲-۴۴-۶۳۲ مورخ ۷۹/۵/۲۲ و شماره ۱/۸۱۲-۴۴-۶۳۲ مورخ ۷۹/۶/۹، همان‌گونه که در نامه‌های فوق به استحضار رسید خانم مری رابینسون کمیسر عالی حقوق بشر سازمان ملل در آستانه برگزاری کنفرانس جهانی مبارزه با نژادپرستی در آفریقای جنوبی در سال ۲۰۰۱ میلادی و به‌هنگام آغاز اجلاس هزاره سران در نیویورک به منظور بسیج افکار عمومی و ارتقاء آگاهی نسبت به موضوع نژادپرستی و اهمیت مبارزه با آن. ضمن ارایه بیانیه‌ای تحت عنوان:

(A Vision for 21st Century) کشورهای مختلف را به امضای متن بیانیه یاد شده تشویق نمود براساس اعلام دفتر کمیسر عالی حقوق بشر فضای عمومی واکنش دولت‌ها در قبال اعلامیه مذکور مثبت بوده و تاکنون تعداد زیادی از کشورهای بیانیه مذکور را به امضاء رسانیده‌اند. بنا به دستور ریاست محترم جمهور این بیانیه در وزارت خارجه مورد بررسی همه جانبه قرار گرفت و با عنایت به وجود مفاهیم عام و انسانی و عدم الزام حقوقی آن و نیز با توجه به میزبانی کشورمان جهت اجلاس منطقه‌ای کنفرانس جهانی نژادپرستی در منطقه آسیا، موافقت با امضاء آن بلامانع تشخیص داده شد، لذا خواهشمند است با توجه به مراتب فوق هرگونه رهنمودی در خصوص اعلام موافقت با توشیح بیانیه فوق از سوی ریاست محترم جمهور را امر به ابلاغ فرمایند.

محمد جواد ظریف

چشم‌اندازی به قرن بیست و یکم

در آستانه شروع قرن جدید، ما معتقدیم هر جامعه‌ای نیاز دارد از خود سؤالی اساسی نماید. آیا این جامعه به قدر کافی فراگیر و بردبار است؟ آیا هنجارهای رفتاری آن مبتنی بر اصول مصرحه در اعلامیه جهانی حقوق بشر می‌باشد.

نژادپرستی، تبعیض نژادی، بیگانه ستیزی و تمام اشکال نابردباری‌های مربوطه از بین نرفته‌اند. ما معتقدیم که مظاهر نژادپرستی در قرن جدید وجود دارند و ریشه‌های آن‌ها از ترس نشأت می‌گیرد. ترس از این‌که تفاوت چیست، ترس از دیگران، ترس از دست دادن امنیت شخصی. و در حالی که ما تصدیق می‌کنیم که ترس انسان ماهیتاً غیرقابل ریشه‌کنی است. در عین حال بر این باوریم که عواقب آن قابل امحاء است.

ما همه یک خانواده انسانی را تشکیل می‌دهیم. این حقیقت هم اکنون به دلیل شکل اولیه همسان سلول‌های جنسی انسان کاملاً بدیهی و آشکار شده است. دست‌یابی به این حقیقت موفقیتی فوق‌العاده است که نه تنها انسانیت مشترک ما را مورد تأیید مجدد قرار می‌دهد بلکه تحولاتی را در عرصه‌های فکری و عملی و هم چنین دیدگاه‌هایی را که بشریت می‌تواند گرامی بدارد، مطرح می‌سازد. این ایده ما را تشویق به اجراء کامل معنویت انسانی و بیدارسازی مجدد تمامی ظرفیت‌های اخلاقی و خلاقیتی که با مشارکت مساوی مردان و زنان تقویت شده است می‌نماید. و می‌تواند قرن بیست و یکم را تبدیل به عصر صلح نماید.

باید با تلاش جدی این فرصت بزرگ را به خود یادآور شویم. به‌جای آن‌که اجازه دهیم تنوع نژاد و تنوع فرهنگی تبدیل به یک عامل محدودکننده در روابط انسانی و توسعه شود. ما باید بر تفاهم، تأثیر تنوع بر اغناء متقابل، و شناسایی این‌که تبادل میان سنن و معنویت انسانی بهترین دورنما برای حفظ معنویت انسان‌ها می‌باشد متمرکز شویم. و اغلب آن تهدید به شکل تحقیر و درگیری نژادی، بیگانه فرض نمودن دیگران، تبعیض و نابردباری بیان شده است.

تمهید اجلاس کنفرانس جهانی مبارزه علیه نژادپرستی، تبعیض نژادی، بیگانه ستیزی و نابردباری که قرار است در ماه سپتامبر ۲۰۰۱ در آفریقای جنوبی برگزار شود فرصتی را فراهم خواهد ساخت که بررسی نماییم آمال مصرحه در «سه دهه برنامه سازمان ملل علیه نژاد پرستی» تا چه میزانی تحقق یافته است. وحشت از نژاد پرستی (از بردگی تا هلاکاست تا آپارتاید تا پاکسازی نژادی) عمیقاً به قربانیان صدمه زده و مرتکبین را پست ساخته است. این وحشت هنوز به اشکال مختلف در میان ما وجود دارد. هم اکنون فرصت مواجهه با مظاهر نژادپرستی و اتخاذ اقدامات جامع علیه مظاهر مذکور فراهم شده است.

کنفرانس جهانی باید بیانیه و برنامه اقدام، استانداردها، ساختارها، جبرانها و ماهیتاً فرهنگی را فراهم سازد که شناسایی کامل شرافت و تساوی انسانی برای همه در آن ملحوظ شده باشد و احترام کامل برای حقوق بشر را تضمین نماید.

در خلال سال آتی ما خود را متعهد به طلب دگرگونی فکر و قلب می دانیم. حیات، چیزی است که ما برای هر مرد، زن و کودک می خواهیم که در آن اعمال حقوق شخصی توسط همبستگی یویا و عضویت ما در خانواده انسانی مورد تأیید قرار گرفته است.

امضاکنندگان:

مری رابینسون، کوفی عنان، نلسون ماندلا، هوگ

بسمہ تعالیٰ

شماره ۷۹-۲۳۹۹

تاریخ ۱۳۷۹/۹/۱۴

حجۃ الاسلام والمسلمین جناب آقای ابطحی

رییس دفتر محترم رییس جمهوری

عطف بہ نامہ شمارہ ۳۴۷۰۴ مورخ ۷۹/۸/۱۹ نامہ معاونت حقوقی و بین المللی وزارت امور خارجه و ترجمہ بیانیہ ارسالی دفتر کمیسر عالی حقوق بشر تحت عنوان: «چشم اندازی بہ قرن بیست و یکم» ملاحظہ شد، بہ نظر این جانب همان گونه کہ در اظهار نظر معاونت حقوقی وزارت امور خارجه نیز آمدہ است چون بیانیہ سند الزام آور حقوقی نیست و صرفاً اعلام مواضع انسانی در مورد مفاہیم کلی و عام انسانی بہ خصوص بر رفع تبعیض نژادی است کہ از لحاظ مذہبی نیز اسلام پرچمدار مبارزہ با آن می باشد، امضای آن از سوی رییس جمہور محترم بی اشکال و بلکہ با توجہ بہ مواضع اتخاذی ایشان مناسب است.

حسین مہرپور

مشاور رییس جمہور و

رییس ہیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی

بسمه تعالی

شماره ۴۰۹۹۲

تاریخ ۱۳۷۹/۹/۲۷

جناب آقای مهرپور

مشاور محترم رییس جمهور و رییس هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی

حجة الاسلام والمسلمین جناب آقای درایتی

مشاور محترم رییس جمهور در امور روحانیون

با سلام

نامه‌های شماره‌ی ۷۹-۲۳۹۹ مورخ ۷۹/۹/۱۴ و ۷۹/۵۸۲۱/ح م مورخ ۷۹/۸/۳۰ و سوابق آن در خصوص بیانیه‌ی «A Vision for 21st Century»، به استحضار ریاست محترم جمهوری رسید، پی نوشت فرمودند:

«علاقه‌مند بودم با دقت کافی همه‌ی بیانیه مورد موشکافی

قرار گیرد. به نظر من بعضی از موازید با موازین مورد قبول و مشهور

ناسازگار باشد. به هر حال باز هم بررسی شود که امضاء من

احتمالاً چه تبعاتی می‌تواند داشته باشد و امضاء نکردن من چه

مشکلی دارد؟»

سید محمد علی ابطحی

بسمه تعالی

شماره ۷۹-۲۴۴۶

تاریخ ۱۳۷۹/۱۰/۱۰

حجة الاسلام والمسلمین جناب آقای ابطحی

رئیس دفتر محترم رئیس جمهوری

با سلام

عطف به نامه شماره ۴۰۹۹۲ مورخ ۱۳۷۹/۹/۲۷ منضم به پی نوشت ریاست محترم جمهوری در خصوص امضاء بیانیه کمیسر عالی حقوق بشر در زمینه رفع تبعیض نژادی و پیرو نامه شماره ۷۹-۲۳۹۹ مورخ ۷۹/۹/۱۴ به استحضار می رساند بار دیگر اعلامیه تهیه شده ارسالی از سوی وزارت امور خارجه مورد ملاحظه و مطالعه قرار گرفت و با عنایت به دقت مورد نظر ریاست محترم جمهوری و مواردی که در این پی نوشت اعلام فرمودند نکاتی را که به نظر می رسد ذیلاً متذکر می گردیم:

۱- در خصوص این که امضاء نکردن اعلامیه چه مشکلی در پی دارد؟ به نظر می رسد، امضاء نکردن هیچ مشکلی را ایجاد نخواهد کرد، احتمالاً جمهوری اسلامی ایران و رئیس جمهوری آن از ذکر خیری که ممکن است از سوی دبیر کل کنفرانس از کشورهای امضاء کننده بنماید و تبلیغات مثبتی که احیاناً در این راستا به نفع امضاکنندگان صورت می گیرد، محروم خواهد بود.

در عین حال چون موضوع جنبه سیاسی دارد بهتر است وزارت امور خارجه در این زمینه نظر بدهد، ضمناً این مطلب هم خوب است از سوی وزارت امور خارجه روشن شود که آیا زمان امضاء هنوز باقی است یا ضرب الاجل آن تا پایان سال ۲۰۰۰ بوده است؟

۲- در این خصوص که امضاء بیانیه چه تبعات احتمالی خواهد داشت؟ به نظر می رسد، از لحاظ بین المللی همان گونه که قبلاً هم اعلام شد، امضای این بیانیه تعهد حقوقی ایجاد نمی کند، احتمالاً بار مثبت تبلیغاتی نیز برای ایران خواهد داشت که عزم

قوی بز رفع تبعیض نژادی و اعمال شبیه آن دارد، در عین حال این انتظار را ایجاد خواهد کرد که ایران در زمینه عملی ساختن مفاد اعلامیه و شرکت فعال و مثبت در تهیه بیانیه و برنامه عمل کنفرانس جهانی "Declaration and Plan of Action" اقدام مؤثر به عمل آورد. تبعاتی که از لحاظ داخلی ممکن است داشته باشد (اگر احیاناً بازتاب داخلی داشته و مورد تجزیه و تحلیل و تفسیر قرار گیرد) بستگی به نوع برداشتی دارد که از عناوین کلی رفع تبعیض، تسامح و تساهل و تساوی ممکن است به عمل آید که در قسمت بعدی به آن اشاره خواهم کرد.

۳- جهت‌گیری و سمت و سوی کلی اعلامیه و شعارهای مندرج در آن از قبیل تساوی، رفع تبعیض، تساهل و تسامح، تعامل فرهنگ‌ها و نژادها و رعایت حقوق بشر و آزادی‌های اساسی برای همه مشابه جهت‌گیری‌هایی است که در بیانات مختلف ریاست محترم جمهوری و در برنامه اقتراح‌ی ایشان به نام گفتگوی تمدن‌ها آمده است و در اعلامیه هزاره امسال مجمع عمومی سازمان ملل متحد که به عنوان بیان دیدگاه‌های سران کشورهای شرکت کننده در اجلاس هزاره و از جمله ریاست محترم جمهوری به تصویب مجمع عمومی رسید نیز مطرح شده است، از جمله در این اعلامیه از قول سران نقل شده است که ما برخی از ارزش‌ها را به عنوان ارزش‌های اساسی برای روابط بین‌المللی در قرن بیست و یکم به رسمیت می‌شناسیم که عبارتند از: آزادی، تساوی، همبستگی، تسامح و... و در مورد تساوی گفته شده است: «حقوق و فرصت‌های مساوی برای زنان و مردان باید تأمین شود».

در قطعنامه گفتگوی تمدن‌ها نیز که با تلاش و ابتکار جمهوری اسلامی ایران و در پی طرح ابداعی ریاست محترم جمهوری به صورت اجماع به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل رسید بر رعایت و حمایت همه جانبه حقوق بشر و تأکید بر تسامح (Tolerance) و ارتقاء حقوق زنان تأکید شده است.

۴- اگر بخواهیم راه احتیاط را در پیش گیریم، ممکن است گفته شود تکیه‌ای که در اعلامیه به طور مطلق بر تسامح و تساهل و مشارکت مساوی زنان و مردان شده است

می‌تواند با مواضع و موازین جاری اسلامی و حقوق موضوعه ما مغایرتی داشته باشد، این شبهه در هنگام تدوین پاسخ قبلی به ذهن این جانب آمد و خواستم متذکر این احتیاط بشوم ولی با توجه به جهاتی که در بند ۲ به آن اشاره شده و با عنایت به این که امضاء اعلامیه با این کلیات تعهدی ایجاد نمی‌کند متعرض آن نشدم، هم‌چنان که تصویب منشور ملل متحد و اعلامیه جهانی حقوق بشر از سوی ایران و بسیاری از کشورهای اسلامی با این که در آن‌ها به‌طور کلی بر تساوی و رفع تبعیض از هر نظر از جمله بر مبنای جنس و مذهب تأکید شده، مانع اعمال نظر دولت‌های اسلامی بر اساس موازین و احکام اسلامی در هنگام طرح و تصویب کنوانسیون‌ها و معاهده‌های خاصی مانند کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان یا قطعنامه‌های موردی که در سازمان ملل در این زمینه مطرح می‌شود نمی‌گردد.

به هر حال اگر قرار بر این باشد که احتیاط کامل رعایت شود و سندی هر چند به صورت اطلاعیه و غیرالزام آور که شبهه مغایرت مفاد کلی آن با برخی موازین مشهور فقهی وجود دارد از امضاء رییس‌جمهور نگذرد، طبعاً باید توجه داشت که در این اعلامیه عناوین مطلق: شرکت مساوی زنان و مردان، پیش‌بینی تصویب اعلامیه کنفرانس جهانی مبارزه با تبعیض نژادی با محتوای تضمین به رسمیت شناختن احترام کامل و مساوی برای همه انسان‌ها و رعایت کامل حقوق بشر برای همه آن‌ها ذکر شده است؛ اطلاق این عناوین با نظرات رایج فقهی که به مقررات متفاوتی در بعضی از زمینه‌ها در مورد زنان و غیر مسلمانان قائل است سازگاری ندارد.

مطلب دیگری که نیاز به دقت و موشکافی بیشتر داشته باشد در این بیانیه به نظر این جانب نمی‌رسد، نظر حقوقی همان است که قبلاً اعلام شد، خود کمیسیون عالی حقوق بشر در نامه‌ای که خطاب به آقای رییس‌جمهور و سایر سران در جهت درخواست امضاء بیانیه و پشتیبانی از آن نوشته است، اعلام کرده که این اعلامیه یک سند الزام‌آور نیست و در واقع بیان یک دیدگاه مشترک در مورد یک دنیای بدون نژادپرستی و تبعیض و دعوت دولت‌ها و جوامع در آغاز هزاره جدید به این سمت است که چگونه می‌توان در

دستیابی به این آرمان‌ها پیشرفت کرد.

حال تشخیص این‌که رعایت آن احتیاط و وسواس و امضاء نکردن به مصلحت
نزدیکتر است یا امضاء کردن اعلامیه با ریاست محترم جمهوری است.

حسین مهرپرور

مشاور رئیس جمهور و

رئیس هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی

درباره نامه مشترک گزارشگران ویژه

بسمه تعالی

شماره ۷۹-۲۵۸۳

تاریخ ۱۳۷۹/۱۲/۸

حجة الاسلام والمسلمین جناب آقای ابطحی

رئیس دفتر محترم رئیس جمهور

با سلام

عطف به نامه شماره ۵۴۲۴۴ مورخ ۷۹/۱۱/۴ منضم به پی نوشت ریاست محترم جمهوری در خصوص نامه مشترک آقای کاپیتورن و چند نفر دیگر از گزارشگران ویژه موضوعات مختلف حقوق بشری به استحضار می‌رساند که در گزارش با اشاره به حکم صادره مبنی بر محکومیت مریم ایوبی به سنگسار آن را مغایر ماده ۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر و ماده ۷ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و قطعنامه شماره ۱۹۹۷/۳۸ کمیسیون حقوق بشر دانسته و حکم بند ب ماده ۸۲ قانون مجازات اسلامی که مجازات زنای زن محصنه را رجم اعلام کرده موجب خدشه‌دار شدن حق حیات زن و نهادینه کردن خشونت علیه زنان و مبتنی بر نگرش پست‌تر بودن زن نسبت به مرد دانسته‌اند.

در این رابطه نکاتی چند جهت استحضار ریاست محترم جمهوری اعلام می‌گردد:

۱- در خصوص اصل اعمال مجازات رجم برای زنای محصنه طبق قانون مجازات اسلامی ایران بین زن و مرد تفاوتی وجود ندارد اگر بند ب ماده ۸۲ مجازات زنای زن محصنه را، رجم اعلام کرده بند الف همان ماده همین مجازات را برای زنای مرد محصن مقرر کرده است.

۲- در خصوص ممنوعیت مجازات‌های بدنی مانند رجم و قطع دست و اмпال آن که به حکم قانون موضوعه کشوری مقرر شده است، از دیدگاه اسناد بین‌المللی حقوق بشر به خصوص اعلامیه حقوق بشر (ماده ۵) و میثاق مدنی و سیاسی (ماده ۷)، مسأله جای بحث فراوان دارد که این جانب تا حدودی در این خصوص در کتاب نظام بین‌المللی حقوق

بشر بحث نمودم برای مزید اطلاع تصویر صفحات ۹۹ تا ۱۰۴ به پیوست ارسال می‌گردد.

۲- در ارتباط با همین موضوع رجم یک بار دیگر نیز در سال ۱۳۷۷ آقای رئیس‌جمهور دستور بررسی صادر فرمودند که این‌جانب موضوع را بررسی کردم و گزارشی چند صفحه‌ای همراه با پیشنهاد خدمتشان فرستادم، تصویر آن گزارش مجدداً جهت یادآوری ارسال می‌گردد اگر مفید می‌دانند مورد توجه قرار گیرد.

حسین مهرپور

مشاور رئیس‌جمهور و

رئیس هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی